

چالش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نسبت آن با دولت‌سازی

محمد ستوده

دانشیار دانشگاه باقر العلوم (علیه‌السلام). قم، ایران.

m.sotode43@gmail.com

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره تحت تأثیر دو گفتمان آرمان‌گرایی با دال مرکزی اسلام سیاسی و گفتمان واقع‌گرایی با دال مرکزی اعتمادسازی یا تنش‌زدایی بوده است و سایر دال‌های شناور مانند صدور انقلاب، حمایت از ملل محروم، مخالفت با نظام سلطه جهانی، تعامل سازنده با جهان، گفت‌وگو و مذاکره در راستای آن‌ها معنی و مفهوم یافته است. دو گفتمان اصلی هر یک تحت شرایط محیطی داخلی و بین‌المللی در دوره‌هایی هژمونیک شده و رفتار سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. گفتمان واقع‌گرایی بر هست‌ها و تعامل در جهت قواعد بین‌المللی تأکید دارد و گفتمان آرمان‌گرایی ارزش‌ها، آرمان‌های انقلاب و اسلام و مقابله با استکبار را در کانون توجه خود دارد. برقراری ارتباط معنایی و مفهومی و کنشگری با حفظ آرمان‌ها و شرایط و مقتضیات محیطی جهانی یکی از چالش‌های فراروی سیاست خارجی ایران بوده است. در این مقاله این فرضیه آزمون شد که تبیین نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی می‌تواند گام مؤثری در رفع چالش فرارو باشد.

واژگان کلیدی: آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی، دولت‌سازی، سیاست خارجی، دولت انقلابی.

مقدمه

هدف از دولت‌سازی افزایش ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی و نهادی دولت جهت رسیدن به کارآمدی مطلوب در سطح داخلی و بین‌المللی است. در این زمینه چهار نوع مدل از دولت‌سازی یعنی از ملت به دولت، از دولت به ملت، ملت‌سازی بین‌المللی و دولت‌سازی چندملیتی بیان شده است. آنچه مسلم است مدل دولت‌سازی با پیش‌شرط ملت مهم‌ترین راهبرد دولت‌سازی جهت رسیدن به وضعیت مطلوب است. در این مدل دولت برآمده از ملت و تأمین‌کننده منافع ملت است. برای رسیدن به دولت مطلوب هویت انقلابی، همبستگی ملی، انباشت قدرت جهت اعمال حاکمیت و حفظ استقلال کشور لازم است. تحقق ویژگی‌های سه‌گانه نه تنها مشروط به روند دولت‌سازی مطلوب در محیط کشوری است، بلکه ناظر به جهت‌گیری‌ها و نحوه ارتباط و تعامل با جهان خارج یا محیط عملیاتی نیز است. در عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات اگر وزن سیاست خارجی در دولت‌سازی اهمیت بیشتری نسبت به سیاست داخلی نداشته باشد، به همان میزان دارای اهمیت است.

تجربه گام اول انقلاب نشان می‌دهد که همواره ایران اسلامی در سیاست خارجی خود با نحوه حفظ آرمان‌ها و درعین حال تعامل با واقعیت‌های بین‌المللی مواجه بوده است و این مسئله چالش‌هایی را در مسیر سیاست خارجی ایران ایجاد کرده است؛ به عبارت دیگر، نحوه ترکیب آرمان‌ها با هست‌ها و واقعیت‌های نظام بین‌الملل یکی از خلأهایی است که کنشگری ایران را تحت تأثیر قرار داده است. این وضعیت را می‌توان از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی مشاهده کرد. بر این اساس، این سؤال اصلی وجود دارد که آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران با چه چالش‌هایی مواجه بوده است و چگونه می‌توان آن را پاسخ داد؟ آنچه مسلم است با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران وارد مرحله نوینی شد که مهم‌ترین ویژگی آن در انقلابی‌بودن و اسلامی‌بودن آن است. گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا برای هژمونیک‌شدن در سیاست خارجی ناگزیر بود تا گفتمان رقیب را در حاشیه قرار دهد. در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ مهم‌ترین رقابت در سیاست خارجی ایران بین دو گفتمان آرمان‌گرا و ملی‌گرا وجود داشت که این رقابت با تشکیل دولت موقت آغاز شد و سرانجام زمینه‌های تعارض میان گفتمان دولت موقت و گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا باعث استعفای دولت موقت و تقویت گفتمان آرمان‌گرایی شد و با رأی عدم اعتماد مجلس به ریاست جمهوری بنی‌صدر در ۱۳۶۰، گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا هژمون شد.

در این رابطه سؤالات زیر جهت بررسی روند آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران قابل طرح است:

الف- آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ایران چه روندی را طی کرده و با چه چالش‌هایی مواجه بوده است؟

ب- واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران چه روندی را طی کرده و با چه چالش‌هایی مواجه بوده است؟

ج- تمهیدات نظری جهت پاسخ به چالش‌های موجود کدام است؟

۱. چالش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران

۱-۱. رقابت میان گفتمان ملی‌گرایی و آرمان‌گرایی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دورهٔ حکومت موقت وارد جدال و رقابت با گفتمان آرمان‌گرایی شد که الهام‌گرفته از آموزه‌های سیاسی امام (رحمة‌الله‌علیه) در سیاست خارجی بود. گفتمان ملی‌گرایی بر دال مرکزی «ایرانیت» تأکید داشت و دال‌های شناور آن مانند استقلال، منافع ملی، همکاری مسالمت‌آمیز و موازنهٔ منفی با توجه به دال مرکزی «ایرانیت» معنا و مفهوم می‌یافت؛ در حالی که گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا بر دال مرکزی «اسلامیت» تأکید داشت و دال‌های شناوری مانند، صدور انقلاب، حمایت از ملل محروم، مقابله با امپریالیسم، تغییر وضع موجود، استقلال و امت اسلامی با توجه به دال مرکزی «اسلامیت» معنا و مفهوم می‌یافت. برخی از موارد تعارض میان دو گفتمان را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

۱-۱-۱. صدور انقلاب

در گفتمان دولت موقت آنچه تقدم و اهمیت داشت، حفظ ایران و مرزهای کشور بود و الگوی صدور انقلاب آن در چهارچوب سیاست گام‌به‌گام و تدریجی قرار داشت و اساساً به الگو و مفهوم صدور انقلاب از دیدگاه انقلابیون از طریق انقلابی اعتقادی نداشت (بازرگان، ۱۳۶۳: ص ۱۱۹).

دولت موقت در سیاست خارجی به برقراری روابط با کشورها در چهارچوب مقررات و قواعد بین‌المللی معتقد بود و صدور انقلاب را مغایر با آن و مداخله در سایر کشورها می‌دانست (سمیعی، ۱۳۷۱: ص ۱۱۹).

۱-۱-۲. حمایت از ملل محروم و حرکت‌های رهایی‌بخش

گفتمان دولت موقت در چهارچوب سیاست تدریجی و ایجاد اعتماد میان ایران و قدرت‌های بزرگ

با حمایت نیروهای انقلابی و دفاع از ارزش‌های انقلابی و رهایی‌بخش در کشورهای تحت ستم محتاطانه عمل می‌کرد و اساساً سمت‌گیری سیاست خارجی ایران را در مسئله صدور انقلاب و حمایت از نیروهای مردمی مخالف وضع موجود در راستای منافع ملی کشور و سیاست مسالمت‌آمیز محسوب نمی‌کرد. سیاست دولت موقت در پی عدم مداخله در کشورها و دوری‌گزیدن از هر نوع رفتار و یا سیاستی بود که می‌توانست در این راستا تفسیر و یا تحلیل شود. از دیدگاه گفتمان دولت موقت سیاست اعلامی یا عملی حمایت ایران از ملل محروم و حرکت‌های رهابخش می‌توانست به ایجاد و تشدید تنش در سیاست خارجی ایران با کشورهای دیگر، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، منتهی شود (بازرگان، ۱۳۶۲: صص ۱۲۶-۱۲۴). در این رابطه برخورد دولت موقت با قرارداد صلح کمپ دیوید در ۱۹۷۹ به‌صورت محافظه‌کارانه بود. دولت موقت ضمن اینکه سازش مصر با اسرائیل را محکوم کرد، اقدامات انقلابی مانند اشغال سفارت مصر را به‌نفع ملت ایران نمی‌دانست.

۱-۱-۳. ساختار نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران در تعارض و تضاد با ساختار نظام بین‌الملل ظاهر شد. از نظر امام (رحمة‌الله علیه) و نیروهای انقلابی، ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی مبتنی بر سیاست قدرت‌های بزرگ و ظالمانه است و اتخاذ سیاست نه شرقی - نه غربی، سیاست خارجی ایران را از وابستگی به این یا آن بلوک مستقل می‌کرد؛ در حالی که گفتمان دولت موقت براساس سیاست موازنه منفی دکتر مصدق عمل می‌کرد و با سیاست نه شرقی - نه غربی متفاوت بود و برحسب سیاست موازنه منفی ایران به بلوک‌های قدرت امتیازی نمی‌داد؛ درعین حال از فرصت‌های ایجادشده ناشی از رقابت دو بلوک سود می‌جست و در پی برقراری روابط عادی با آن‌ها بود.

۱-۱-۴. رابطه با آمریکا

دولت موقت در پی رفع موانع و مشکلات به‌وجودآمده در روابط ایران و آمریکا بود و با حرکت‌هایی که شدیداً مخالف آمریکا و یا در پی ضربه‌زدن به منافع آمریکا بودند، مخالفت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب، سفارت آمریکا در تهران اشغال شد و با مداخله دولت به حالت عادی بازگشت. دولت کارتر به حمایت‌های دولت موقت از سفارت و برقراری امنیت برای کارکنان آن امیدوار بود. دولت موقت براساس سیاست تدریجی و اصل برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورها، در پی رفع تنش ایجادشده میان ایران و آمریکا در دوره پس از انقلاب اسلامی بود و بر این باور بود که ایران می‌تواند ضمن حفظ منافع خود با آمریکا و کشورهای اروپایی در یک ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی همکاری کند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ص ۱۸۵).

تشدید تعارضات میان گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا و گفتمان ملی‌گرا در عرصه سیاست خارجی با اشغال سفارت امریکا وارد عرصه نوینی شد. سرانجام تعارضات و تنش‌های فزاینده میان دولت موقت و نیروهای انقلابی باعث به حاشیه رانده شدن گفتمان دولت موقت در سیاست داخلی و خارجی شد.

ازسوی دیگر، چالش گفتمان آرمان‌گرایی و گفتمان ملی‌گرایی در سیاست خارجی با انتخاب ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور کشور در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ ادامه یافت. یکی از تعارضات میان بنی‌صدر و نیروهای انقلابی در مورد نخست‌وزیر و ترکیب کابینه بود و تعارض دیگر در زمینه جهت‌گیری سیاست خارجی روی داد.

بنی‌صدر در سیاست خارجی معتقد به موازنه منفی مصدق بود که در آن به هیچ یک از بلوک‌های قدرت امتیازی داده نمی‌شد.

تضاد گفتمان آرمان‌گرایی و گفتمان لیبرال در سال ۱۳۶۰ تشدید شد و سرانجام امام (رحمة‌الله علیه) طی حکمی در تاریخ بیستم خرداد ۱۳۶۰، بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کردند (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ص ۲۷۴).

ازسوی دیگر، موضع‌گیری جناح ملی‌گرا و لیبرال در قبال حکم قصاص در اسلام و ائتلاف آن‌ها با «منافقین» باعث واکنش شدید امام (رحمة‌الله علیه) شد.

در مجلس نیز اکثریت با ریاست جمهوری بنی‌صدر مخالف بودند. تعداد ۱۰۷ نفر خواستار سلب کفایت سیاسی بنی‌صدر شدند تا اینکه سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی با ۱۷۷ رأی موافق، یک رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر رأی داد و امام (رحمة‌الله علیه) در پاسخ به نامه رئیس مجلس شورای اسلامی مرقوم فرمودند: «... پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی‌صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ص ۲۵).

با عزل آقای بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری در اول تیر ۱۳۶۰، گفتمان لیبرال در صحنه سیاست داخلی و خارجی ایران به شدت به حاشیه رانده شد و پس از آن زمینه برای هژمونیک شدن گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا بیش از هر زمان دیگری فراهم شد.

۲. هژمونیک‌شدن گفتمان آرمان‌گرایی در دولت‌های دوم تا چهارم (۱۳۶۷-۱۳۶۰)

گفتمان آرمان‌گرایی دارای همان شاخصه‌هایی در سیاست خارجی بود که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران فعلیت یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران براساس سیاست نه شرقی - نه غربی و تعارض با بلوک‌های قدرت قرار گرفت و نیروهای انقلابی از این سیاست به همراه دفاع از ملل محروم، صدور انقلاب، مقابله با ظلم و ستم، بیدارسازی امت اسلامی و تغییر وضع موجود دفاع کردند؛ از این رو، در گفتمان آرمان‌گرایی غیریت‌سازی گسترده بود و نه تنها قدرت‌های بزرگ استکباری را دربرمی‌گرفت، بلکه دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها را نیز شامل می‌شد. شرایط انقلابی ایران، عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و فضای خاص دوران جنگ، زمینه‌ها و عوامل لازم را برای حرکت سیاست خارجی ایران به سمت اهداف انقلابی و آرمانی فراهم کرد. در این مقطع بر ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌ها تأکید شد و از آنجا که گفتمان انقلابیون در موقعیت هژمونیک قرار داشت، سیاست خارجی ایران از نظر محیط داخلی و متغیرهای مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی با موانع و چالش‌های کمتری مواجه بود.

۳. واقع‌گرایی و چالش‌های گفتمان آرمان‌گرایی در زمان جنگ

گفتمان آرمان‌گرایی با گذشت زمان، در عمل با موانع و چالش‌هایی مواجه شد؛ زیرا این گفتمان در مرحله اول جهت هژمونیک‌شدن خود به طرح مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌هایی پرداخت که عملاً تحقق آن در سیاست داخلی و سیاست خارجی مستلزم امکانات، فرصت‌ها و توانایی‌های بالفعل در دسترس بود که به سرعت امکان فراهم کردن آن وجود نداشت. با توجه به مطالب ذکرشده، گفتمان سیاست خارجی در عمل، در راستای تحقق بخشیدن به ایده‌های خود نیز باید اقدام می‌کرد؛ ایده‌هایی که در جهان عینی با موانع و چالش‌های متعددی مواجه می‌شد. این چالش‌ها را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد.

۳-۱. حمایت از ملل محروم و دفاع از مرزهای کشور

چالش عمل به آرمان‌ها و حفظ تمامیت ارضی کشور در سال‌های نخست پیروزی انقلاب زمانی ظهور یافت که ایران در وضعیت دفاع از سرزمین‌های خود قرار داشت. در این زمینه می‌توان گفت جنگ تحمیلی هشت‌ساله دو دسته از ادبیات را به همراه خود آورد و یا به عبارت دیگر، جنگ از حیث نظری دو کار ویژه به همراه داشت: کارکرد اول آن مسئله ضرورت و بسیج تمام امکانات در

دفاع از اسلام بود؛ ازاین‌رو، تأکید خاصی بر امت اسلامی، جهان اسلامی و رفع تهدیدات ملل مسلمان می‌شد. کارکرد دوم آن دفاع از مرزهای ایران اسلامی بود؛ ازاین‌رو، جنگ از این جهت بحث مرز، ملت و تمامیت ارضی ایران را تقویت کرد. از این جهت می‌توان گفت توجه به گفتمان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ایران، که مورد حمایت انقلابیون بود، با واقعیت حفظ مرزها و بسیج تمامی نیروها جهت دفع تجاوز دشمن در چالش بود.

۲-۳. مقابله با قدرت‌های بزرگ و تأمین تجهیزات جبهه‌های جنگ

یکی از موارد دیگر چالش‌های گفتمان آرمان‌گرایان مربوط به امکانات و توانایی‌های جنگ‌افزاری در جبهه‌های جنگ بود. آنچه مسلم است توان نظامی و تجهیزات جنگی رژیم صدام در سطح بالایی قرار داشت و به‌صورت مستمر از جانب قدرت‌های بزرگ و برخی دولت‌های عربی منطقه، به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس، حمایت می‌شد. قدرت دفاعی ایران اسلامی نیز مبتنی بر ایمان رزمندگان بود و بخشی از قطعات یدکی و تسلیحاتی که امکان تهیه آن در شرایط عادی وجود نداشت از بازار آزاد فراهم می‌شد؛ درعین‌حال، ایران به برخی از قطعات نیازمند بود که در اختیار امریکا قرار داشت. وضعیت و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی امکانات و فرصت‌هایی را در اختیار سیاست خارجی ایران و امریکا قرار می‌داد و دو کشور این امکان را می‌یافتند که به برخی از اهداف خود دست یابند.

دولت امریکا پس از مشاهده پیروزی‌های ایران در جنگ و ناتوانی خود در آزادسازی گروگان‌های امریکایی در لبنان، درصدد تجدیدنظر در سیاست خارجی خود نسبت به ایران برآمد و تلاش کرد تا از طریق رفع برخی از نیازهای تسلیحاتی ایران به آزادسازی گروگان‌های خود در لبنان کمک کند. در این راستا، شورای امنیت ملّی مأمور شد تا در این رابطه مطالعات لازم را انجام دهد. «رابرت مک‌فارلین»، مشاور امنیت ملی ریگان، از کارشناسان درخواست کرد که درباره تجدیدنظر در روابط امریکا و ایران و راه‌های آزادسازی گروگان‌های امریکایی در لبنان مطالعه کنند. این کارشناسان پس از انجام بررسی‌های لازم بیان کردند که آزادسازی گروگان‌های امریکایی در لبنان، با توجه به نفوذی که جمهوری اسلامی ایران بر نیروهای حزب‌الله لبنان دارد، از طریق رهبران ایران امکان‌پذیر است و ازسوی دیگر، ایران اسلامی هم در جبهه‌های جنگ نیاز شدیدی به قطعات یدکی داشت که می‌توانست از این طریق به‌دست آورد (Walsh, 1993: p 95).

در این راستا، سفر مک‌فارلین به ایران در ۲۵ مه ۱۹۸۶ انجام شد و برخی از قطعات یدکی

مانند لامپ‌های رادار و تعدادی موشک «هاگ» را به‌همراه آورد و در ۲۸ مه ۱۹۸۶ تهران را ترک کرد. تا اینکه این ماجرا در سوم نوامبر ۱۹۸۶ توسط هفته‌نامه لبنانی الشراع گزارش شد و متعاقب آن آقای هاشمی رفسنجانی آن را در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ علنی کرد (درباره گزارش سفر توسط کمیته کنگره آمریکا و جزئیات آن ر.ک.: Hamilton and Inouye, 1997).

۳-۳. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ

جنگ ایران و عراق را می‌توان در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل کرد. آنچه در این قسمت توجه به آن ضرورت دارد تأثیر جنگ بر سیاست خارجی ایران و تقویت جنبه‌های آرمانی و انقلابی آن است. اساساً جنگ تحمیلی هشت‌ساله فضای سیاست خارجی ایران را به سمت ضدیت و غیرت‌سازی گسترده سوق داد، زیرا نه تنها برخی از کشورهای منطقه به حمایت از رژیم صدام اقدام کردند، بلکه با گذشت زمان دخالت مستقیم آمریکا، شوروی و برخی از دول اروپایی آشکار شد. آمریکا تلاش کرد تا روابط سیاسی خود را با عراق بهبود بخشد. روابط سیاسی آمریکا با عراق از ژوئن ۱۹۶۷ به دلیل حمله اسرائیل به سرزمین‌های عربی قطع شده بود، اما دفتر حافظ منافع آمریکا در بغداد فعالیت داشت. با وقوع انقلاب ایران و بروز جنگ هشت‌ساله، روابط آمریکا و عراق رو به بهبودی نهاد؛ به گونه‌ای که «در اواخر سال ۱۹۸۷ وعده حدود یک میلیارد دلار اعتبار برای سال مالی ۱۹۸۸ به عراق داده شد؛ بزرگ‌ترین اعتباری که به هیچ کشوری در دنیا اعطا نشده بود» (Baram, 1989: p 80).

شورای امنیت در مقابل کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق نیز اقدام مؤثری انجام نداد؛ این شورا در ۳۰ مارس ۱۹۸۴ در بیانیه خود کاربرد سلاح شیمیایی را محکوم کرد، اما نامی از عراق به میان نیاورد (بیانیه، S/16454/30 March, 1984). با افزایش بحران در منطقه خلیج فارس و تشدید جنگ نفت‌کش‌ها و کاربرد وسیع سلاح شیمیایی به وسیله نیروهای عراقی، دبیر کل سازمان ملل، وضعیت فاجعه‌آمیز منطقه را به شورای امنیت گزارش کرد. متعاقب آن شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ را در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) به تصویب رساند که با پذیرش آن از طرف ایران به جنگ هشت‌ساله خاتمه داده شد.

۴. پایان جنگ و گفتمان‌های سیاست خارجی

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق را می‌توان نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران

محسوب کرد. در مقطع پس از جنگ شرایط و متغیرهای کشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی زمینه را برای تغییر و تحول در سیاست خارجی ایران ایجاد کرد. در سطح ملی، خاتمه جنگ ایران و عراق، ضرورت بازسازی خرابی‌های جنگ را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد؛ ازسوی دیگر، هرگونه رونق و رشد و توسعه اقتصادی کشور در گرو برقراری ارتباط فزاینده با جهان خارج به‌ویژه کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ بود. ازاین‌رو، در نیازهای کشور تغییر ایجاد شد که با میزان و نوع نیازهای زمان جنگ متفاوت بود. در سطح منطقه‌ای اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰، فرصت مناسبی را برای ایران جهت افزایش اعتبار و منزلت خود فراهم کرد و افکار عمومی در سطح منطقه‌ای و جهانی به راهبرد دفاعی ایران در مقابل هجوم همه‌جانبه عراق پی برد و اعلان متجاوزبودن عراق توسط خاویر پرز دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد، بر حقانیت ایران تأکید کرد. این شرایط به سیاست خارجی ایران جهت تصویرسازی مطلوب و واقعی از ایران کمک کرد و در سطح منطقه‌ای روابط ایران با کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس بهبود یافت؛ ازسوی دیگر، فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ باعث تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه شد و فرصت مناسبی را برای ایران جهت برقراری رابطه با روسیه و کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی به‌وجود آورد و در سطح جهانی نیز اضمحلال شوروی باعث از میان رفتن ساختار نظام بین‌الملل دوقطبی شد و عملاً امکان برقراری روابط ایران را با اروپای شرقی و سایر کشورهای بلوک شرق افزایش داد.

این تحولات به همراه تغییرات فرایندی نظام بین‌الملل، ضرورت حرکت به سمت همکاری‌های متقابل و رفع تنش در سیاست خارجی ایران را تقویت کرد و گفتمان سیاست خارجی ایران را به سمت واقع‌گرایی و مصلحت‌اندیشی هدایت کرد. با توجه به تحول ایجادشده در سیاست خارجی ایران می‌توان گفت که گفتمان آرمان‌گرایی با چالش‌های متعددی مواجه شد؛ زیرا در مقطع پس از جنگ عملاً امکان ادامه سیاست خارجی آرمانی دوران اوایل انقلاب و زمان جنگ وجود نداشت و ایران باید در صحنه بین‌المللی جهت اصلاح تصاویر ذهنی غیرواقعی ساخته‌شده اقدام می‌کرد. در مقطع جدید، شکاف میان نیروهای گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا در نحوه مدیریت سیاست داخلی و خارجی افزون شد و در عمل این گفتمان به دو قسمت گفتمان واقع‌گرا و گفتمان آرمان‌گرا در سیاست خارجی تبدیل شد، این دو گفتمان گرچه معطوف به انقلابیون است، در مورد مدیریت سیاست خارجی و نحوه دستیابی به اهداف راهبرد متفاوتی را ارائه می‌دهند و از این منظر می‌توان از آن‌ها به‌عنوان دو گفتمان رقیب در سیاست خارجی نام برد.

گفتمان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی گرچه در دوران پس از جنگ ظهور بیشتری یافت، ریشه‌های

تقسیم‌بندی آن را باید در مقطع جنگ و پس از عزل بنی‌صدر در نظر گرفت. در این زمان یکی از اختلاف‌نظرهای نیروهای انقلابی به‌ویژه جامعه روحانیت مبارز در مورد اقتصاد دولتی و اقتصاد بازار آزاد به‌وجود آمد: «چنین وضعیتی تا حدی باعث تضعیف موقعیت سیاسی حزب جمهوری اسلامی شد و سبب شد تا گروه طرفدار اقتصاد بازار آزاد فعالیت سیاسی خود را در چهارچوب جامعه روحانیت مبارز سامان‌دهی کنند» (مرتجی، ۱۳۷۸: ص ۱۱). تشدید تعارضات در آستانه انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی در اوایل سال ۱۳۶۷ بیشتر شد و سرانجام در ۱۳۶۷ انشعاب روحانیون مبارز از روحانیت مبارز صورت گرفت، مجمع روحانیون مبارز طی نامه‌ای به امام خمینی (رحمة‌الله علیه) در فروردین ۱۳۶۷ درباره انشعاب چنین بیان داشتند: «قبل از هر اقدامی در باب "انشعاب" تلاش فراوانی توسط بعضی از برادران ما برای نزدیک‌کردن نظرات در چهارچوب اصول و موازین مورد قبول با دیگر روحانیون محترمی که سال‌هاست با آنان فعالیت مشترک داشتند صورت گرفت که متأسفانه به دلیل پافشاری آن آقایان بر روی مسائل و مواردی که آن‌ها را برخلاف مصلحت و موازین تشخیص می‌دادیم به نتیجه نرسید؛ از این رو، به نظر رسید که جمع ما در تشکیل جدید، بیشتر و بهتر می‌تواند خدمتگزار انقلاب اسلامی باشد» (همان: ص ۱۶).

امام خمینی (رحمة‌الله علیه) انشعاب مجمع روحانیون مبارز را می‌پذیرند و در پاسخ به نامه محمد علی انصاری می‌نویسند: «کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاست و اعتقادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجتماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد... این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است، ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود؛ چراکه همه در اصول با هم مشترک‌اند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: صص ۴۶-۴۷).

اقدام امام (رحمة‌الله علیه) به صورت‌بندی جامعه روحانیت و روحانیون مبارز به تحولات عرصه داخلی نظم نوینی بخشید و سیاست خارجی نیز تا حد زیادی از آن متأثر شد؛ به عبارتی، عرصه سیاست خارجی در یک وضعیت پس از جنگ تحت تأثیر گرایش‌ها و ایستارهای واقع‌بینانه قرار گرفت و روابط ایران با بلوک شرق و غرب وارد مرحله نوینی شد. در این رابطه باید نامه امام خمینی (رحمة‌الله علیه) به گورباچف را در ۱۳۶۷/۱۰/۱۱ نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران محسوب کرد. در این پیام امام بر حُسن همجواری و روابط متقابل متذکر شدند (همان: ص ۶۹) و متعاقب آن سفر آقای هاشمی رفسنجانی به مسکو انجام شد و فصل نوینی در روابط خارجی

ایران با شوروی و بلوک شرق گشوده شد. در فضای ایجادشده به تدریج غیریت‌سازی ایران به سمت محدودسازی حرکت کرد و سیاست اعتمادسازی در مرکز سیاست خارجی ایران قرار گرفت و گفتمان واقع‌گرایی در سیاست خارجی به تدریج روند هژمونیک‌شدن را طی کرد؛ دوره‌ای که سیاست خارجی ایران با رقابت میان دو خرده‌گفتمان انقلابیون در قالب واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی وارد صورت‌بندی نوینی شد و این امر رفتار سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داد.

۵. گفتمان واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت‌های پنجم و ششم (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

رشد و تقویت گفتمان واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران در مقطع پس از جنگ را می‌توان در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ و ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ دانست. در این دوران سیاست خارجی ایران با توجه به تحولات ایجادشده در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی وارد مرحله‌سازندگی و تثبیت همه‌جانبه نظام جمهوری اسلامی ایران شد؛ وضعیتی که با دوران اوایل انقلاب و جنگ متفاوت بود. در این مقطع دال مرکزی سیاست خارجی ایران براساس «اعتمادسازی» شکل گرفت و سایر دال‌های شناور مانند صدور انقلاب، حمایت از ملل محروم و تحت ستم، تغییر وضع موجود، استقلال‌خواهی، مقابله با قدرت‌های بیگانه، مصالح ملی در راستای دال مرکزی اعتمادسازی معنی و مفهوم می‌یافت که مهم‌ترین هدف آن ایجاد تصویر ذهنی واقعی از سیاست خارجی ایران و زدودن تصاویر ذهنی نادرست قبلی بود. این تحول رفتاری را می‌توان در دو عرصه سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد.

۱-۵. اعتمادسازی در روابط ایران با شورای همکاری خلیج فارس

پس از جنگ، سیاست خارجی ایران به سمت برقراری اعتماد دوجانبه میان ایران و اعضای شورای همکاری حرکت کرد. جمهوری اسلامی ایران جهت دستیابی به این هدف توانست از فرصت منطقه‌ای ایجادشده در سال ۱۹۹۰ استفاده کند؛ در واقع، جنگ دوم خلیج فارس و اشغال کویت توسط عراق، قدرت مانور ایران را برای عادی‌سازی روابط خود با کویت و سایر اعضای شورای همکاری فراهم کرد. ایران در رابطه با اشغال کویت، سیاست بی‌طرفی فعال اتخاذ کرد. در این سیاست با مداخله نظامی عراق و اشغال کویت مخالفت کرد و خواهان خروج ارتش عراق از خاک کویت شد و از طرفی، در ائتلاف ضد امریکایی به رهبری عراق وارد نشد و برای خاتمه‌دادن به بحران و جنگ ایجادشده اقدام کرد.

۲-۵. اعتمادسازی در روابط ایران با عربستان سعودی

روابط ایران و عربستان سعودی که متعاقب انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق به سردی گراییده بود و متعاقب مراسم حج در مرداد ۱۳۶۶ و شهادت ۴۰۰ حاجی ایرانی و غیرایرانی قطع شده بود، رسماً در دهم فروردین ۱۳۷۰ برقرار شد. دیدار امیر عبدالله، ولیعهد عربستان، با آقای هاشمی، رئیس جمهوری ایران، در فروردین ۱۳۷۶ و توافق و همکاری عربستان با برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران، نقطه عطفی در روابط دوجانبه محسوب می‌شد. به علاوه، حضور هیئت بلندپایه سعودی در اجلاس تهران به ریاست امیر عبدالله بن عبدالعزیز، زمینه‌ساز روابط گسترده‌تر ایران و عربستان شد و با سفر آقای هاشمی در اسفند ۱۳۷۶، موافقت‌نامه عمومی همکاری در زمینه‌های بازرگانی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری، فنی، علمی، آموزشی، فرهنگی و ورزشی بررسی شد (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: صص ۵۰-۲۱).

۳-۵. اعتمادسازی در روابط ایران با اروپا

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اتخاذ سیاست اعتمادسازی در سیاست خارجی، روابط ایران و اروپا رو به بهبودی نهاد، اما متعاقب انتشار کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی و صدور فتوای امام خمینی (رحمة الله علیه) در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷، اتحادیه اروپا به آن واکنش نشان داد و وزرای امور خارجه عضو این اتحادیه در اول اسفند ۱۳۶۷، طی بیانیه‌ای حکم قتل سلمان رشدی را مغایر با منشور ملل متحد و نقض اصول و مقررات بین‌المللی اعلام کردند و دول عضو اتحادیه اروپایی، اقدامات مشترکی را در زمینه‌های احضار سفرای دولت‌های عضو از تهران و کاهش سطح روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی، لغو ملاقات و بازدید مقامات دو طرف در سطح وزیران و معاونان آن‌ها و تقلیل همکاری‌های اقتصادی و کاهش واردات کالا از ایران انجام دادند (رحمانی و تائب، ۱۳۷۵: صص ۷-۵).

متعاقب آن در ۱۵ اسفند ۱۳۶۷، انگلستان روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد و آلمان نیز در حمایت از انگلستان اجرای موافقت‌نامه فرهنگی با ایران را، که در آبان ۱۳۶۵ امضا شده بود، به حالت تعلیق درآورد. در این زمان رسانه‌های گروهی اروپا، اصول‌گرایی اسلامی را تهدیدی جدی برای اروپا معرفی کردند. متعاقب حمله نظامی عراق به کویت در شهریور ۱۳۶۹، اتحادیه اروپایی درصدد عادی‌سازی روابط با ایران برآمد و معاون وزیر امور خارجه ایتالیا به‌عنوان فرستاده آن اتحادیه به تهران سفر کرد و تمایل اروپا را برای فعال‌تر کردن مناسبات با جمهوری اسلامی ایران

اعلام داشت و در اول آذرماه ۱۳۶۹، وزیر امور خارجهٔ ایرلند به‌عنوان اولین مقام عالی‌رتبهٔ اتحادیهٔ اروپایی پس از بهبود روابط، از ایران بازدید رسمی به‌عمل آورد و این سفر، سرآغاز تبادل نظر مقامات دو طرف تلقی شد (همان: صص ۸۹-۸۰). از این زمان روابط ایران و اتحادیهٔ اروپا رو به توسعه نهاد، اما مجدداً در آوریل ۱۹۹۷ (اردیبهشت ۱۳۷۶) روابط دو طرف به پایین‌ترین سطح خود کاهش یافت؛ زیرا در این تاریخ دادگاه فدرال آلمان، دولت ایران را در قتل چهار کرد ایرانی در رستورانی به نام میکونوس در برلین در سال ۱۹۹۲م، مقصر شناخت و متعاقب آن دول عضو اتحادیهٔ اروپا، سفرای خود را از تهران فراخوانده و روابط آن‌ها با ایران تیره شد.

ازسوی دیگر، گفتمان واقع‌گرایی را می‌توان در اصول و باورهای کارگزاران سازندگی مشاهده کرد. این گروه در ۱۳۷۴ در آستانهٔ انتخابات دورهٔ پنجم مجلس شورای اسلامی به‌طور رسمی اعلام موجودیت کرد و زمان شکل‌گیری آن مربوط به فضای سازندگی پس از جنگ ایران و عراق است. استراتژی این گروه بر «بازسازی اقتصادی» و «مصلحت‌اندیشی در سیاست خارجی» مبتنی بود (مرتجی، ۱۳۷۸: ص ۴۰)؛ ازاین‌رو، ایران اسلامی برای رسیدن به اهداف بازسازی باید در سیاست خارجی خود تغییراتی ایجاد می‌کرد. تأکید بر تخصص و ایجاد کادر متخصص در وزارتخانه‌های کشور و حضور فعال در عرصهٔ جهانی، جذب سرمایه‌های خارجی و اصلاح چهرهٔ بین‌المللی کشور از جمله مواردی است که کارگزاران سازندگی بر آن تأکید می‌کردند. در هفته‌نامهٔ بهمین وابسته به کارگزاران سازندگی دربارهٔ الگوی صدور انقلاب آمده است: «مؤثرترین راه برای تأثیرگذاری بر سایر کشورها در جهان کنونی الگوسازی است. در شرایط فعلی تنها کشوری قادر است آرمان‌ها و ارزش‌های خود را در جهان تبلیغ کند که بتواند نشان دهد که در پرتو تحقق ارزش‌هایش، ملت به سطح قابل قبولی از رفاه، امنیت ملی و اجتماعی، مشارکت سیاسی و آزادی‌های فردی دست یافته است» (همان: ص ۱۸۸).

در پرتو گفتمان واقع‌گرایی، «قدرت» در عرصهٔ سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت و جناح میانه و مصلحت‌گرا تقویت شد و اعتمادسازی در سیاست خارجی اهمیت یافت تا از طریق آن بتوان از تکنولوژی پیشرفتهٔ کشورهای صنعتی استفاده کرد. در این زمان بحث از مذاکره با آمریکا مطرح شد.

۶. چالش‌های آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

در سال‌های پس از جنگ، گرچه گفتمان واقع‌گرایی با توجه به شرایط و زمینه‌های ملی - منطقه‌ای

و بین‌المللی دارای نقش مؤثری در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران است، گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا همواره در دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام و انقلاب در چالش با گفتمان واقع‌گرا قرار می‌گیرد. ایجاد «جمعیت دفاع از ارزش‌ها» در خرداد ۱۳۷۴، ماهنامه‌ی «الشارات» و دوهفته‌نامه‌ی «شلمچه»، که از سال ۱۳۶۸ اقدام به فعالیت کرد، نمایی از گروه‌های آرمان‌گراست که سیاست واقع‌گرایانه را مورد سؤال قرار می‌دهند.

جمعیت دفاع از ارزش‌ها به‌شدت «نظریه‌ی تفکیک نظام از انقلاب» را رد می‌کند و معتقد است میان نظام سیاسی کشور و انقلاب هیچ جدایی وجود ندارد و جایی برای مصالحه و دلجویی مخالفان نظام اسلام نیست؛ از این‌رو، در دیدگاه آرمان‌گرایان همچنان بحث از صدور انقلاب و حمایت از مستضعفان جهان از محورهای اساسی است. نشریه‌ی «عصر ما نیز» در این زمان بر حمایت از ملت‌های در بند به‌ویژه ملل مسلمان در جهت نیل به استقلال و آزادی آنها در نظام امپریالیستی تأکید داشت.

۷. واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران در دولت‌های هفتم و هشتم (۱۳۸۴-۱۳۷۶)
گفتمان واقع‌گرایی در دولت هفتم و هشتم وارد مرحله‌ی نوینی شد. در این مقطع سیاست تنش‌زدایی در اولویت اول سیاست خارجی قرار گرفت. در حالی که در دولت پنجم و ششم بر گفتمان اقتصادمحور تأکید می‌شد، در دولت جدید بر گفتمان سیاست‌محور تأکید شد. گفتمان واقع‌گرایی در این دولت در سیاست خارجی دارای دو جزء بود که عبارت از گفت‌وگوی تمدن‌ها و سیاست تنش‌زدایی بود.

۷-۱. گفت‌وگوی تمدن‌ها

بحث از گفت‌وگو و مذاکره در سیاست خارجی ایران با طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها اهمیت بالایی یافت. «گفت‌گو از آن جهت مطلوب است که مبتنی بر آزادی و اختیار است. در گفت‌وگو نمی‌توان هیچ فکری را به طرف مقابل تحمیل کرد، در گفت‌وگو به وجود مستقل و حیثیات فکری، اعتقادی و فرهنگی مستقل طرف گفت‌وگو باید احترام گذاشت. فقط و در این صورت است که گفت‌وگوی تمدن‌ها مقدمه‌ای برای صلح و امنیت و عدالت خواهد بود» (داد، ۱۳۷۸: ص ۸۷)؛ از طرف دیگر، با توجه به ساختار نظام بین‌الملل موجود و غلبه‌ی کشورهای مسلط به‌خاطر فزونی طلبی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، دیگرناپذیری‌ها، دولت گفت‌وگو خواستار همکاری‌های مشترک جهان اسلام و اروپا، ایران و اروپا هستند (همان: صص ۷۳-۶۸).

۲-۷. تنش‌زدایی در سیاست خارجی

سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران در پی آن است تا با الهام از اصول همزیستی، همکاری و همیاری با جوامع دیگر و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی بر مسائل و مشکلات فائق آید و با اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه در جهت سازگاری و انطباق هدفمند با محیط عملیاتی اقدام کند. در این فرایند تلاش می‌شود تا از طریق مفاهیم و منافع مشترک موضوعات منطقه‌ای و جهانی موردنظر بررسی شود و منافع ملی ایران تأمین شود؛ به‌علاوه، فرایند تنش‌زدایی و اعتمادسازی متضمن اقداماتی جهت کاهش زمینه‌های ناامنی در منطقه و جهان است، فرایندی که طی آن طرف‌های درگیر باید ضمن گفت‌وگو و شناسایی زمینه‌های تهدیدآمیز، از بازی حاصل جمع صفر خودداری کنند و به انگیزه‌ها و علایق و منافع یکدیگر به دیدهٔ احترام بنگرند و زمینهٔ تبدیل گرایشات تخصصی و رقابتی را به تمایلات همکاری و همیاری فراهم کنند.

سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی پس از پایان جنگ، از قلمرو گسترده‌ای برخوردار شد و آن را می‌توان در دو سطح منطقه‌ای، به‌ویژه با عربستان و فرامنطقه‌ای با قدرت‌های اروپایی و مذاکره با امریکا، بررسی کرد.

۸. برگشت‌پذیری در سیاست خارجی

گفتمان اصول‌گرایی در دولت‌های نهم و دهم گفتمان اعتدال‌گرایی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم را می‌توان در قالب چرخهٔ برگشت‌پذیری در سیاست خارجی ایران دانست؛ به‌عبارت دیگر، هر چند شرایط محیط داخلی و بین‌المللی در این دولت‌ها با دول پیشین متفاوت است، وجوه اشتراک آن‌ها در آرمان‌گرایی و یا واقع‌گرایی بیانگر ترسیم غلبهٔ ارزش‌ها و اصول انقلابی یا مصلحت‌گرایی و نوعی عمل‌گرایی در سیاست خارجی است. در دولت‌های نهم و دهم سیاست خارجی ایران تحت تأثیر گفتمان آرمان‌گرایی و برگشت به اصول انقلابی است، درحالی‌که در دولت یازدهم و دوازدهم بیشتر متأثر از واقع‌گرایی و حرکت به سمت گفت‌وگو و مذاکره با قدرت‌های بزرگ جهت دستیابی به منافع ملی است. این وضعیت را می‌توان به‌عنوان چرخهٔ برگشت‌پذیری در سیاست خارجی ایران دانست. در این دوره‌ها نیز مصادیقی برای هر یک وجود دارد که در این مقاله از توضیح آن‌ها خودداری می‌شود.

۹. تمهیدات نظری در طرح نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی

۹-۱. جهت‌گیری‌های سیاست خارجی

سیاست خارجی ایران در سطح کلان مبتنی بر سیاست نه شرقی - نه غربی است که به مفهوم عدم وابستگی به بلوک‌های قدرت جهانی است.

مفهوم سیاست نه شرقی - نه غربی فراتر از بلوک سیاسی قدرت است و با فروپاشی شوروی، معنای واقعی خود را از دست نمی‌دهد؛ زیرا علاوه بر بُعد سیاسی و بین‌المللی دارای ابعاد فقهی و ایدئولوژیک نیز است (در رابطه با مفهوم نه شرقی - نه غربی ر.ک.: محمدی، ۱۳۷۷: صص ۳۸-۴۸). امام خمینی در وصیت‌نامه خود سیاست نه شرقی - نه غربی را مبنای ابدی سیاست خارجی ایران می‌داند که همیشه باید مدنظر قرار گیرد.

از طرفی، این سیاست تضمین‌کننده استقلال کشور در ابعاد و زمینه‌های مختلف است. کنش رفتاری سیاست خارجی ایران را می‌توان با توجه به سیاست کلان نه شرقی - نه غربی به صورت‌هایی بیان کرد که در ادامه خواهد آمد.

۹-۱-۱. تسلیم‌ناپذیری در برابر نظام استکباری

یکی از ویژگی‌های آموزه‌های اصلی انقلاب ایران، که در سیاست خارجی کشور نمود بارزی داشته است، معطوف به نحوه مواجهه با نظام سلطه بین‌المللی است. مقام معظم رهبری کشورها را در ساختار نظام بین‌الملل به دو دسته کشورهای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌کنند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است. این یک نظام جهانی است. تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر دو طرف دارد؛ یک طرف سلطه‌گرها، که همان ابرقدرت‌هایند و طرف دیگر دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند. این‌ها هم خودشان شریک جرم‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۵).

ایران اسلامی به تبع آموزه‌های اسلام و انقلاب در پی سلطه‌گری نیست و سلطه قدرت‌های بزرگ را نیز نمی‌پذیرد؛ از این رو، در طول چهل سال گذشته همواره آماج حملات دول سلطه‌گر قرار گرفته است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «نماد پرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان امریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده

ایران و ایرانی به‌ویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، نماد دولت سلطه‌گر و مستکبر در جهان امروز امریکا است و از این جهت ایران اسلامی در تقابل با آن قرار می‌گیرد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «امریکا یک مستکبر به تمام معناست. مسئله ما هم فقط نیست، مسئله دنیا است؛ مسئله دنیای اسلام است. امریکایی‌ها نسبت به همه‌جای دنیا این روح استکباری را دارند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۱۲).

جنبه انقلابی سیاست خارجی ایران در برابر دول استکباری نه تنها معطوف به سازش‌ناپذیری با سیاست‌های آن‌هاست، بلکه به نحوه مواجهه با رفتارها و کنش‌های ظالمانه آن‌هاست. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «ما امروز در مقابله با استکبار، در سیاست خارجی زبانمان زبان طلبکاری، عزت، اقتدار معنوی و اقتدار ملی است؛ آن وقت بعضی بیایند همین را به‌عنوان نقطه ضعف وانمود کنند که نه آقا! شما کاری کرده‌اید که فلان دولت‌ها از شما خوششان نیاید. خوب، معلوم است که خوششان نمی‌آید. فلان دولت‌ها وقتی خوششان می‌آید که انسان تملق آن‌ها را بگوید و حرف‌های آن‌ها را به‌عنوان حرف‌های برتر ذکر بکند؛ خودش را کوچک کند و از حرف‌های خودش و حرف‌های انقلاب عقب‌نشینی کند؛ آن وقت آن‌ها خیلی خوششان می‌آید!» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲).

۹-۱-۲. حمایت از مظلومان در برابر ظالمان

براساس آموزه‌های انقلاب، حمایت از ملل محروم و مستضعف لازم است همواره در دستور کار سیاست خارجی باشد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «مردم مسلمان ایران یکپارچه از آرمان‌های انقلاب و اسلام حمایت می‌کنند و حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیان آن از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۴).

همچنین، در این زمینه مقام معظم رهبری با بیان عدالت‌خواهی ایران اسلامی در سطح جهانی می‌فرمایند: «... از نقاط قوت ما، مسئله عدالت‌خواهی بین‌المللی جمهوری اسلامی است؛ این برای جمهوری اسلامی آبرو است. اینکه جمهوری اسلامی طرفدار ملت‌های مظلوم باشد، آبرو است؛ اینکه طرفدار ملت فلسطین باشد، یک آبرو است. جمهوری اسلامی نیروی مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی را در منطقه تقویت کرده است... این عدالت‌خواهی است؛ این دفاع از ملت فلسطین است؛ این دفاع از استقلال کشورهای منطقه است، دفاع از تمامیت ارضی کشورهاست. این نقطه قوت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۳/۱۴).

ایشان همچنین در این رابطه می‌فرمایند: «این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۹-۱-۳. برقراری روابط مسالمت‌آمیز با سایر کشورها

ایران اسلامی براساس آموزه‌های اسلام و انقلاب در پی تعامل با سایر کشورها براساس احترام متقابل و عدم مداخله بوده است؛ بنابراین، با کشورهایی که منافع ایران را به رسمیت بشناسند سرستیز ندارد. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «... ما در دوران خودمان عمیق‌ترین، مهم‌ترین، ماندگارترین و اصیل‌ترین پدیده در سطح تعامل جهانی و روابط بین‌المللی و حیات انسانی در سطح جهان هستیم ... ما باید معادلات جهانی را محاسبه کنیم. بنده با کسانی که معتقدند معادلات حاکم بر جهان را به کلی باید کنار گذاشت، موافق نیستم؛ با کسانی هم که معتقدند باید یکسره در چهارچوب این معادلات کار کرد، موافق نیستم. این معادلات تجزیه‌ناپذیر نیستند. می‌شود عناصر جدیدی را به آن‌ها وارد کرد و عناصری را هم نادیده گرفت و حذف کرد. این البته مخالفت‌هایی را برمی‌انگیزد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵).

۹-۲. اصول سیاست خارجی

اصول سیاست خارجی ایران نشئت گرفته از آموزه‌های اسلام و انقلاب است. حفظ عزت، قدرت و اقتدار کشور در همه تعاملات خارجی نه تنها تأمین‌کننده منافع کشور است، بلکه از نفوذ و اعمال سلطه قدرت‌های بزرگ بر کشور جلوگیری می‌کند. اصل حکمت بیانگر کنشگری سیاست خارجی ایران مبتنی بر حقیقت‌ها و رفتاری عالمانه است. مصلحت اصل دیگری است که تبیین‌کننده اولویت‌ها و رفع تعارضات احتمالی میان آرمان‌ها و واقعیت‌های بین‌المللی است. در این زمینه مقام معظم رهبری روابط خارجی ایران را مبتنی بر اصول عزت و حکمت و مصلحت به‌عنوان مثلث الزامی برای چهارچوب ارتباطات بین‌المللی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

۹-۳. اهداف سیاست خارجی

۹-۳-۱. حفظ استقلال کشور

در آموزه‌های اسلام و قانون اساسی ایران بر حفظ استقلال و مرزهای کشور اسلامی تأکید شده

است. براساس قاعده نفی سبیل، نفوذ و سلطه بیگانه بر کشور اسلامی نفی شده است. آنچه از واژه استقلال برداشت می‌شود، عدم دخالت قدرت‌های بیگانه در امور کشور و استقلال عمل دولت در برابر قدرت‌های خارجی است و مقصود از استقلال در سیاست خارجی یک کشور شامل استقلال در سه مرحله سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم می‌شود که مصادیق آن در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و غیره ظاهر می‌شود.

در قانون اساسی ایران، در فصل دهم در اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تأکید شده است. در اصل ۱۵۲ آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است» (منصور، ۱۳۸۳: ص ۸۴).

بنابراین، اصل استقلال همه‌جانبه محوری‌ترین اصل سیاست خارجی است و انقلاب اسلامی ایران برای کسب استقلال و آزادی ملت از قدرت‌های بیگانه به‌وقوع پیوست و در عرصه عملی، حفظ استقلال کشور در برابر مداخلات و اعمال نفوذهای قدرت‌های خارجی از اهداف ضروری و حیاتی کشور به‌شمار می‌آید.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است؛ استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره طیبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه، به‌ویژه دولت جمهوری اسلامی، موظف به حراست از آن با همه وجودند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، اعتراف قدرت‌های سلطه‌گر به ناتوانی خود در برابر قدرت انقلاب ایران از دستاوردهای بزرگ انقلاب است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، به ناتوانی اعتراف کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست

نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه دوباره‌قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۹-۳-۲. حفظ مرزها و تمامیت ارضی کشور

یکی دیگر از اهداف حیاتی سیاست خارجی ایران حفظ مرزها و تمامیت ارضی کشور در برابر مداخلات خارجی است. در فقه اسلامی دفاع و حفاظت از کیان اسلامی واجب کفایی دانسته شده است. امام خمینی (رحمة الله علیه) در کتاب البیع، در بحث شئون و اختیارات ولی فقیه حفظ نظام اسلامی را از واجبات الهی می‌داند و می‌فرماید: «حفظ مرزهای اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران به آن، عقلاً و شرعاً واجب است» (امام خمینی، ۱۳۶۹ الف: ص ۲۳).

همچنین، در کتاب ولایت فقیه ذیل احکام دفاعی ملی با توجه به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» می‌فرماید: «آیه دستور می‌دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید تا دشمنان نتوانند به شما ظلم و تجاوز کنند» (همو، ۱۳۶۹ الف: ص ۳۸).

در قانون اساسی هم در اصل سوم بر «تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» تأکید شده است (منصور، ۱۳۸۳: ص ۲۲).

۹-۳-۳. همگرایی امت اسلامی

تلاش برای ایجاد وحدت میان ملل اسلامی به منظور دستیابی به امت واحد اسلامی از اهداف فراملی ایران محسوب می‌شود.

در اصل یازدهم قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه کریمه "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ" (انبیا: ۹۲)، همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (منصور، ۱۳۸۳: ص ۲۷).

تلاش ایران در برگزاری کنفرانس‌های وحدت و ایجاد دارالتقريب در این راستاست. وحدت امت اسلامی در سطوح مختلف مورد هدف است. اتحاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی

جهان اسلام می‌تواند گام مؤثری جهت تقویت قدرت کشورهای اسلامی و زمینه‌ساز نظم نوین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب شود. در سطح امنیت منطقه‌ای، ایران اسلامی با تهدیدات قدرت‌های خارجی مواجه است و ایجاد پیمان امنیتی منطقه‌ای در محیط‌های منطقه‌ای میان ایران با کشورهای همسایه می‌تواند گام مؤثری در حفظ امنیت منطقه و امنیت ملی ایران محسوب شود. در سطح سیاسی نیز رسیدن به بلوک کشورهای اسلامی در گرو دیپلماسی مشترک و فعال‌سازی نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای در جهت منافع کشورهای اسلامی است. در سطح اقتصادی نیز، همکاری‌های درون منطقه‌ای و میان منطقه‌ای شرط لازم دستیابی به اقتصاد پیشرفته و خودکفایی است. کشورهای جهان اسلام با توجه به ظرفیت‌های مختلف فرهنگی می‌توانند در عرصه‌های مختلف به افزایش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی کمک کنند و ایران اسلامی درصدد است تا از طریق افزایش قدرت جهان اسلام، تهدیدات و محدودیت‌های قدرت‌های بزرگ را کنترل کند و از وضعیت نامتوازن و نابرابر موجود بکاهد (دهقانی، ۱۳۸۸: صص ۱۶۹-۱۶۸).

۹-۴. تمدن نوین اسلامی

مقام معظم رهبری مراحل تحقق اهداف انقلاب را پس از مرحله پیروزی آن، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌داند و خطاب به جوانان می‌فرماید: «دهه‌های آینده دهه‌های شماسست و شما باید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش، که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

همچنین، ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ما به برکت اسلام یک راه سومی را به دنیا پیشنهاد کرده‌ایم؛ نه راه سوسیالیستی در اقتصاد و تبعات اقتصاد، نه راه لیبرال-دموکراسی غرب با تبعات و خصوصیتی که دنبالش هست؛ یک راه سومی ما داریم، این راهی که امروز کشور ما دارد می‌رود، راه سومی است. البته ما در آرایه‌های گوناگون این راه یک قدری کندی کرده‌ایم، کوتاهی کرده‌ایم، اما وقت زیادی نیست. چهل سال، زمان زیادی برای حرکت یک نظام و رسیدن به یک تمدن نیست. کشورهای غربی که امروز مثلاً یک تمدن جاافتاده‌ای دارند، چهار قرن، پنج قرن، با مشکلات دست و پنجه نرم کردند؛ چهل سال، زمان زیادی نیست. ما کم‌کاری داریم در این زمینه‌ها، منتها می‌توانیم این راه سوم را درست معرفی کنیم، درست مشی کنیم، درست حرکت کنیم و با عمل خودمان، با سخن منطقی خودمان، دل‌هایی را جذب کنیم به این سمت، به این راه، نه حالا لزوماً

به خودمان یا به کشور خودمان، به این حرکت عظیم مهمی که می‌تواند برای بشریت سودمند باشد و از نفوذ فرهنگ غربی که روز به روز دارد منحط‌تر می‌شود، کشورها را نجات بدهیم» (همان).
مقام معظم رهبری با اشاره به سابقه شکل‌گیری تمدن غرب می‌فرماید: «امروز نوبت ماست، امروز نوبت اسلام است. «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ». امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان‌که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ماست (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸).

مقام معظم رهبری نسبت به روند آینده می‌فرماید: «من با اطمینان کامل می‌گویم این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».
نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱۷).

۹-۵. اولویت‌ها در سیاست خارجی

اولویت‌های سیاست خارجی ایران با توجه به شرایط هر دوره و مسائل فرارو متفاوت است. در عین حال یکی از موارد مهم آن نحوه تعیین اولویت در تعارض میان منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی است.

در این رابطه در یک بررسی، روابط میان «مسئولیت‌های فراملی و منافع ملی» به صورت زیر بیان شده است: «۱. عدم ارتباط: مستقیماً تأثیر مثبت یا منفی روی یکدیگر ندارند؛ توجه یا عدم توجه به یکی، برای دیگری بی تفاوت است، به اصطلاح متنافرند؛
۲. ربط و بستگی جزئی (مستقیم یا معکوس): تقویت یا تضعیف هر یک تاحدی، اما نه چندان مؤثر و وسیع، روی دیگری اثر دارد (اثر همانند یا بالعکس)؛

۳. هماهنگی و همسویی: تقویت و تضعیف یکی به معنای تقویت و تضعیف دیگری است؛
۴. تناقض و تضاد: تقویت و رعایت یکی به معنای در نظر نگرفتن و تضعیف دیگری است» (نخعی، ۱۳۷۶: ص ۳۰۶).

روابط چهارگانه یادشده می‌تواند برخی از حالت‌های مطرح میان منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی را نشان دهد. آنچه مسلم است در سیاست خارجی ایران اسلامی منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی در ارتباط با یکدیگر است و به لحاظ اسلامی بودن حکومت و آموزه‌های انقلاب اسلامی نمی‌توان مسئولیت‌های فراملی را در سیاست خارجی نادیده گرفت؛ بنابراین، عدم ارتباط یا تناقض و تضاد میان آن دو پذیرفتنی نیست. مگر اینکه مبنای سیاست خارجی ایران را صرفاً سرزمینی و منافع ملی بدانیم که در این صورت اصل حاکم بر آن همان منافع ملی خواهد بود و پیگیری مسئولیت‌های فراملی در همه وضعیت‌ها تابعی از منافع ملی و سود و زیان آن برای ملت ایران خواهد بود. در این حالت تعقیب آموزه‌های اسلام و انقلاب اسلامی تا جایی امکان‌پذیر خواهد بود که به منافع ملی لطمه‌ای وارد نشود و اگر در تعارض و تضاد با منافع ملی قرار گرفت، اولویت با منافع ملی است. در یک نوع رابطه دیگر، حالتی را می‌توان تصور کرد که در آن میان منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی با یکدیگر همسویی وجود دارد و در ارتباط با یکدیگرند. در یک تقسیم‌بندی از اهداف سیاست خارجی می‌توان آن را به اهداف ملی و اهداف مافوق ملی تقسیم کرد (محمدی، ۱۳۷۷: ص ۲۰) و سپس منافع ملی را با توجه به اهداف بررسی کرد. در این حالت اهداف و منافع مافوق ملی جزئی از منافع ملی محسوب می‌شوند و مکمل یکدیگر هستند. اهداف ملی آن‌هایی هستند که برای حفظ و تحقق منافع ملی یک کشور مورد توجه هستند؛ مثلاً حفظ استقلال و تمامیت ارضی و امنیت ملی و اهداف مافوق ملی، فراتر از اهداف ملی است و مربوط به جوامعی است که با توجه به ایده‌ها و رسالت‌های حاکم بر جامعه خود، دارای رسالت و وظایفی در ورای مرزهای خود هستند؛ به گونه‌ای که منافع ملی آن‌ها تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد و تحقق اهداف مافوق ملی خود را طبیعتاً منافع ملی خود می‌دانند و در شرایط خاص حاضر به فداکردن منافع ملی جهت تأمین منافع فراملی هستند.

برای سیاست خارجی ایران نیز می‌توان اهداف و منافع فراملی لحاظ کرد که تأمین آن‌ها بخشی از منافع ملی محسوب می‌شود؛ زیرا با توجه به آموزه‌های اسلام، اهداف سیاست خارجی ایران به مرزهای سرزمینی محدود نمی‌شود و ناظر بر امت اسلامی و جامعه جهانی است و ایران برای خود در سطح منطقه‌ای و جهانی رسالت‌ها و وظایفی قائل است که در حد توان و با توجه به واقعیت‌های

موجود مسئولیت‌های آن مشخص می‌شود.

نحوه ترکیب منافع ملی با مسئولیت‌های فراملی در زمان جنگ هشت‌ساله را می‌توان در طرح نظریه ام‌القری توسط محمد جواد لاریجانی درباره رفع تعارض میان صدور انقلاب و نیازهای ایران در سال ۱۳۶۳ نام برد. ایشان در این زمینه می‌گویند: «... مسیری که الان جمهوری اسلامی در آن قدم برمی‌دارد، با توجه به رهنمودهای حضرت امام مدّظله که در بیانات خویش ارائه فرموده‌اند و نیز با استفاده از استفتائات خصوصی که از ایشان شده است، این است که در صورت پدید آمدن نوعی تعارض بین این دو مسئله، باید به "رفع نیازهای جمهوری اسلامی" توجه کرد. علتش هم این است که جمهوری اسلامی در حقیقت حکم "ام‌القری" را برای جهان اسلام دارد» (لاریجانی، ۱۳۶۴: ص ۱۱۶).

از این جهت می‌توان گفت که نظریه ام‌القری ضمن توجه به گفتمان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی ایران که مورد حمایت انقلابیون بود، بر جنبه دیگری تأکید داشت که همان بعد واقع‌گرایی بود.

۱۰. راهبردهای سیاست خارجی

۱۰-۱. راهبرد عدم تعهد واقعی (انقلابی)

راهبرد عدم تعهد واقعی که در راستای سیاست نه شرقی - نه غربی معنی و مفهوم می‌یابد نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به ایستارها، تعهدات و رفتارهای سیاست خارجی ایفا می‌کند؛ این راهبرد با سیاست عدم تعهد سایر کشورهای عضو جنبش عدم تعهد از جهاتی متفاوت است؛ از این رو، امام خمینی از آن به‌عنوان عدم تعهد واقعی یاد می‌کند و از عدم تعهد مرسوم انتقاد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷: ص ۱۱۴؛ همو، ۱۳۶۱، ج ۱۲: ص ۱۲۲؛ همو، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ص ۳۶). تمایز این راهبرد معطوف به جنبه‌های اسلامی و قرآنی آن است. زیرا این راهبرد در ارتباط مستقیم با سیاست نه شرقی - نه غربی ایران است که چهارچوب کلان سیاست خارجی ایران را شکل می‌دهد.

بنابراین، راهبرد عدم تعهد واقعی ایران، نقش‌ها و تعهدات خاصی را برای ایران به همراه می‌آورد و در چهارچوب همین راهبرد، استقلال، آزادی، مقابله با ظلم، حمایت از ملل محروم و عدالت‌خواهی معنی و مفهوم می‌یابد.

گاهی نیز از عدم تعهد واقعی به‌عنوان عدم تعهد انقلابی در برابر عدم تعهد محافظه‌کار یاد

می‌شود. عدم تعهد انقلابی «مبتنی بر عدم پذیرش وضع و نظم موجود بین‌المللی و تلاش برای تغییر بنیادین آن به منظور استقرار نظم و نظام مطلوب اسلامی است. در این جهت‌گیری، بنیادهای نظم بین‌المللی ناعادلانه تصور می‌شود؛ به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران باید برای برهم زدن، دگرگونی و فروپاشی آن جهت جایگزینی نظم و نسق اسلامی مطلوب مبارزه کند. عدم تعهد واقعی متضمن نوعی تکلیف سیاسی و رسالت ایدئولوژیک است که علاوه بر نفی هر گونه وابستگی و تعهد به قدرت‌ها و کانون‌های قدرت بین‌المللی، نظم ظالمانه حاکم بر روابط بین‌الملل، ساختار قدرت، نهادها و قواعد حاکم بر مناسبات و تعاملات بین‌المللی را نیز نفی و طرح می‌کند» (دهقانی، ۱۳۸۸: ص ۱۷۷).

۱۰-۲. راهبرد مقاومت

راهبرد دیگری که مرتبط به نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی است و در چهل سال نخست انقلاب در گفتمان انقلابیون آرمان‌گرا مورد تأکید قرار گرفته و دستاوردهای گسترده‌ای را در سیاست خارجی ایران به همراه داشته است معطوف به راهبرد مقاومت است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «مقاومت هم جز در سایه ایمان بالله و اتکای بالله و اعتماد به وعده الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است، با تأکید فرموده است: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ با تأکید، وعده نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم، به وعده الهی با چشم حسن‌ظن نگاه کنیم نه با سوءظن، پیروز خواهیم شد. سوءظن به وعده الهی مال کفار است: «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ»؛ این کسانی که به وعده الهی سوءظن دارند، معلوم است که از وعده الهی سود نخواهند برد. ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره طیبه، شجره طیبه جمهوری اسلامی و ملت ایران، شجره طیبه‌ای است که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود و این نسخه حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۹/۴).

ایشان در رابطه با پیروزی‌های محور مقاومت در چهل سال گذشته می‌فرمایند: «ایستادگی هشت‌ساله جمهوری اسلامی و ملت ایران در دفاع مقدس چیز کوچکی نبود، حادثه بسیار

مهمی بود. این نشان داد که توانایی‌های نظامی و امنیتی قدرت‌های مسلط بر عالم قادر نیستند از ایستادگی یک ملت بکاهند یا به آن ضربه بزنند و این خواهد توانست خودش را بر آن‌ها تحمیل کند، کماینکه تحمیل کرد. بعد هم دیگر حوادث منطقه، حوادث فلسطین، حوادث لبنان، جنگ سی‌وسه روزه، جنگ بیست‌ودو روزه، جنگ هشت‌روزه غزه، و این جنگ اخیر پنجاه‌روزه غزه که واقعاً جزء نمونه‌های معجزه‌آساست. یک منطقه کوچک، محدود، با توانایی‌های بسیار محدود، کاری بکند که رژیم صهیونیستی که نماد قدرت غرب در منطقه است، به زانو در بیاید؛ این اصرار کند بر آتش بس، آن‌ها قبول نکنند آتش بس را؛ این مدام اصرار کند، آن‌ها بگویند نخیر، شرط قبول آتش بس این چیزهاست و تا این چیزها حاصل نشد، آتش بس را قبول نکردند؛ این خیلی حادثه مهم و قابل تحلیلی است. این‌ها نشان می‌دهد که اقتدار و برتری نظامی‌سیاسی غرب، به معنای واقعی کلمه به چالش کشیده [شده است]» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳).

همچنین، مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «چرا باید حکام اسلامی در دو حرکت جنایت‌آمیز که امروز متأسفانه منطقه ما را جریحه‌دار کرده است (یکی حرکت جنایت‌آمیز علیه فلسطینی‌ها و درباره مسئله مهم فلسطین، یکی هم حرکت جنایت‌آمیز درباره یمن) با امریکا همراه بشوند؟ این را هم مطمئن باشند که در هر دو قضیه هم مطمئناً پیروزی با مردم فلسطین و مردم یمن است و امریکا و تبعه امریکا در این قضیه شکست خواهند خورد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۹/۴).

۱۰-۳. راهبرد نرمش قهرمانانه

یکی از مسائل حیاتی سیاست خارجی ایران در اتخاذ راهبرد واقع‌بینانه با حفظ آرمان‌های انقلاب در مواجهه با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه دولت امریکا در طول حیات انقلاب اسلامی بوده است. راهبرد نرمش قهرمانانه متعاقب تحریم‌های نفتی امریکا علیه ایران و مذاکرات هسته‌ای توسط مقام معظم رهبری بیان شد. ایران اسلامی با اتخاذ این راهبرد مذاکرات برجام را انجام داد. راهبردی که مبتنی بر حفظ عزت، قدرت و اقتدار و تأمین منافع کشور است. با خروج امریکا در مقطع پس از برجام، مراحل کاهش تعهدات به برجام ایران عملیاتی شد و این روند بر مبنای حفظ منافع ایران ادامه یافت.

با توجه به مطالب یادشده، چالش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران و طرح نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی را می‌توان در جدول زیر ترسیم کرد.

جدول ۱. ترسیم چالش‌ها و طرح تولید نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی

ردیف	دولت‌ها	وضعیت	چالش‌ها در سیاست خارجی
۱	دولت موقت و بنی صدر	ملی‌گرایی	صدور انقلاب و حمایت از محرومان، مذاکره با امریکا
۲	دولت انقلابی آرمان‌گرا	آرمان‌گرایی	حفظ منافع حیاتی، تمامیت ارضی کشور، دفع حملات نظامی دشمن، انجام مسئولیت‌های فراملی
۳	دولت سازندگی	عمل‌گرایی، واقع‌گرایی	حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، اعتمادسازی، جذب سرمایه‌های خارجی و کمک به اهداف پیشرفت اقتصادی
۴	دولت اصلاحات	عمل‌گرایی، واقع‌گرایی	حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، تنش‌زدایی، تعامل با نظام بین‌الملل و کمک به اهداف پیشرفت سیاسی
۵	دولت اصول‌گرایی	آرمان‌گرایی	حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، مخالفت با نظام بین‌الملل سلطه و کمک به اهداف انقلابی و فرهنگی
۶	دولت اعتدال‌گرایی	واقع‌گرایی	حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، تعامل سازنده با نظام بین‌الملل، مذاکره با قدرت‌های جهانی
۷	دولت انقلابی	ترکیب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی	تولید نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی جهت حفظ و گسترش ارزش‌ها با توجه به واقعیت‌ها

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حیات چهل سال نخست خود همواره تحت تأثیر دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی قرار داشته است. گفتمان آرمان‌گرایی متأثر از انقلاب، اسلام و اهداف متعالی امام خمینی (رحمة‌الله علیه) است که در پی ایجاد تغییر و تحول در ایران و ساختارها و فرایندهای بین‌المللی به نفع جامعه جهانی و ملت‌هاست. این گفتمان در عین حال با محدودیت‌ها و سیاست قدرت‌های جهانی مواجه است که در پی حفظ وضع موجود و رابطه نابرابر در روابط خود با سایر کشورها هستند. گفتمان واقع‌گرایی با توجه به هست‌های سیاست قدرت در جهان در پی تأمین منافع ایران در عرصه جهانی است؛ به گونه‌ای که تعامل سازنده با جهان، گفت‌وگو و مذاکره را در اولویت سیاست خارجی خود دارد. چالش آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران را می‌توان ناشی از فرایند دولت‌سازی در کشور دانست که در سیاست داخلی و خارجی با کاستی‌های نظری مواجه است. آنچه مربوط به سیاست خارجی می‌شود بیشتر ناظر به خلأهای نظری نظریه سیاست خارجی دولت انقلابی است که لازم است ادبیات آن بیش از گذشته شکل گیرد و نحوه ترکیب آرمان‌ها و واقعیت آن‌ها در آن تبیین شود. در این مقاله به صورت خلاصه به برخی از جنبه‌های آن پرداخته شد.

کتابنامه

۱. اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۷۳. مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. اسماعیلی، خیرالله. ۱۳۸۰. دولت موقت. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۶۱. صحیفه نور. ج ۷. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. _____ ۱۳۶۱. صحیفه نور. ج ۱۲. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. _____ ۱۳۶۲. صحیفه نور. ج ۱۴. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. _____ ۱۳۶۱. صحیفه نور. ج ۱۵. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. _____ ۱۳۶۹ الف. شئون و اختیارات ولی فقیه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. _____ ۱۳۶۹ ب. صحیفه نور. ج ۲۱. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۹. بازرگان، مهدی. ۱۳۶۲. بازیابی ارزش‌ها. جلد ۲. تهران: بازرگان.
۱۰. _____ ۱۳۶۳. انقلاب ایران در دو حرکت. تهران: بازرگان.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۶۸/۴/۲۵. «بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم». <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2144>
۱۲. _____ ۱۳۷۰/۴/۱۸. «بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه». <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>
۱۳. _____ ۱۳۸۰/۲/۴. «بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین». <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3061>
۱۴. _____ ۱۳۸۱/۰۷/۰۳. «بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی». <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3145>
۱۵. _____ ۱۳۸۳/۵/۲۵. «بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه».

۱۶. _____ . ۱۳۸۷/۰۹/۱۷ . «پیام به کنگره عظیم حج» . <https://farsi.khamenei.ir/>
 ۴۸۲۱=message-content?id
۱۷. _____ . ۱۳۸۷/۰۶/۰۲ . «بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت» .
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3661>
۱۸. _____ . ۱۳۸۸/۰۸/۱۲ . «بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان و خانواده‌های
 شهدا» . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8339>
۱۹. _____ . ۱۳۹۴/۱۰/۸ . «بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت
 اسلامی» . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770>
۲۰. _____ . ۱۳۹۷/۳/۱۴ . «بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی
 (رحمه‌الله)» . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39796>
۲۱. _____ . ۱۳۹۷/۹/۴ . «بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت
 اسلامی» . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41007>
۲۲. _____ . ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ . «بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران» . <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
۲۳. داد، بابک. ۱۳۷۸. خاتمی در ایتالیا ۹۹. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. ۱۳۸۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
۲۵. رحمانی، علی؛ تائب، سعید. ۱۳۷۵. گفت‌وگوهای ایران و اروپا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۶. سمیعی، احمد. ۱۳۷۱. طلوع و غروب دولت موقت. تهران: شباویز.
۲۷. لاریجانی، محمدجواد. ۱۳۶۴. مقولاتی در سیاست خارجی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۸. محمدی، منوچهر. ۱۳۷۷. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل. تهران: دادگستر.
۲۹. مرتجی، حجت. ۱۳۷۸. جناح‌های سیاسی در ایران امروز. تهران: نقش و نگار.
۳۰. منصور، جهانگیر. ۱۳۸۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دوران.

۳۱. نخعی، هادی. ۱۳۷۶. توافق و تزامن منافع ملی و مصالح اسلامی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

32. Baram, Amazia. 1989. "Iraq: Between East and West". in Efraim Karsh (ed) The Iran-Iraq war. Impact and Implications, New York: st, Martins press.

33. Hamilton, H.; Inouye, K.Daniel. 1997. **Report of the congressional committess investigating the Iran.** contraAffair with supplemental. minority and Additional views. washington.

34. Walsh, Lawrence. E.1993. **Iran - contra, The Final Report.** New York: Random House inc.